



اندرزنامه، بازخوانی کامل شاهنامه به نثری روان و امروزی؛ جواد نوشین، چاپ اول، انتشارات جوانه‌ی رشد. شاهنامه دارای ارزش‌هایی چندگانه است، ارزش تاریخی، حماسی، ادبی و ارزش زبانی و زبان‌شناختی از جمله‌ی آن‌هاست. شاهنامه چه از حیث روایات کهن ملی و چه از لحاظ تأثیر آن در نگاهبانی زبان فارسی دری، بزرگ‌ترین سرمایه‌ی فرهنگ ماست و بیهوده نیست که آن را قرآن عجم نام نهاده‌اند. درباره‌ی این اثر جاودانی، تحقیقات و مطالعات متعددی به زبان فارسی و بسیاری از زبان‌های زنده‌ی عالم شده و چندین ترجمه از آن به زبان‌های مختلف از عربی و ترکی تا زبان‌های اروپایی و چینی و ژاپنی ترتیب یافته است. متأسفانه هنوز بهترین و کامل‌ترین تحقیق و جست‌وجو در شناخت حماسه و حماسه‌ی بزرگ فردوسی به انجام نرسیده و باید اذعان نمود که شاهنامه به پژوهش‌های بیش‌تری نیاز دارد. در ایران خوشبختانه پژوهش‌ها و کوشش‌هایی در این زمینه به انجام رسیده، از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به اثر حاضر اشاره کرد که به همت و پشتکار قابل تحسینی انجام گرفته است. ایشان با گفتاری ساده به بازنویسی سروده‌های فردوسی پرداخته‌اند، به‌گونه‌ی که همگان می‌توانند با مطالعه‌ی آن به درک عمیق و ژرف اندیشه‌های مربوط به هستی، انسان، جوانمردی و دلاوری، عشق و حماسه نایل آیند. (فرستنده: بیژن تلیانی)

درخت شاهنامه: ارزش‌های فرهنگی و نمادین درخت در شاهنامه؛ دکتر مهدخت پورخالقی چترودی، مشهد، به نشر، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱، ۱۸۶ ص.

▪ ادبیات تطبیقی / ترجمه

سروده‌هایی برای راونا، شهر دانته، شهر شعر؛ گزیده‌ی تینو دالا واله با پیشگفتاری از والتر دلامنیکا، گزیده و ترجمه‌ی فریده مهدوی دامغانی، تهران، مؤسسه نشر تیر، ۱۳۸۳، ۱۶۹ ص + ۲۱ ص لاتین.

گزیده‌ی از معروف‌ترین و زیباترین سروده‌های ادبیات اسپانیا؛ گزیده و ترجمه‌ی فریده مهدوی دامغانی، تهران، مؤسسه‌ی نشر تیر، ۱۳۸۳، ۲۸۸ ص.

گزیده‌ی از معروف‌ترین و زیباترین سروده‌های ادبیات آلمان؛ گزیده و ترجمه‌ی فریده مهدوی دامغانی، تهران، مؤسسه‌ی نشر تیر، ۱۳۸۳، ۲۱۰ ص.

▪ تاریخ

نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران؛ سرلشکر بازنشسته ناصر فرید، تهران، انتشارات کومش، ۱۳۸۳، ۴۸۸ ص. این کتاب که با مقدمه‌ی به‌قلم آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) آغاز می‌شود، شامل چند بخش است. بخش یکم: دوران ارتش منظم، بخش دوم: تشکیلات اولین ارتش منظم؛ بخش سوم: ارتش و رویداد انقلاب. در سال گذشته کتاب دیگری نیز از سرلشکر فرید با عنوان **انسان و هستی** در زمینه‌ی هستی‌شناسی و اندیشه‌های فلسفی / عرفانی منتشر شد.

مهره‌هایی از جنس عشق، نگاهی گرافیکی به مهرهای دوره‌ی قاجار؛ محسن احتشامی، ترجمه‌ی متون به انگلیسی: مهدی افشار، چاپ اول ۱۳۸۳، انتشارات کتاب خورشید.

حافظ از ناشران، نویسندگان و علاقه‌مندانی که بخواهند کتاب‌هایشان در بخش تازه‌های کتاب معرفی شود دعوت می‌کند که نسخه‌ای از کتاب مورد علاقه‌ی خود را به نشانی تقاطع فلسطین و انقلاب - ساختمان مهر - شماره‌ی ۲ کدپستی ۱۴۱۶۸ - دفتر ماهنامه‌ی حافظ ارسال نمایند.

زیر نظر مهندس حجت حیدری

▪ ادبیات

مثنوی معنوی؛ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، آخرین تصحیح رینولد ا. نیکلسون، ترجمه و تحقیق حسن لاهوتی، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۳، چهار جلد (شامل شش دفتر مثنوی در سه جلد و کشف‌الایات و فهرست‌ها در جلد چهارم)، جمعا ۱۶۷۹ ص.

نغمه‌های دل؛ دکتر نعمت‌الله تابنده، ج ۲، مشهد، نشر سنبله، ۱۳۸۲، ۲۲۰ ص. مجموعه‌ی منثور و منظوم به فارسی با چاشنی عرفان نظری و عملی. نمونه‌ی شعر مؤلف:

گر عاشقانه روی به‌سوی خدا کنیم
 ره را ز راه مردم گمراه جدا کنیم
 اخلاص و صدق در رگ و پیوند جا دهیم
 ترک فریب و خدعه و مکر و ریا کنیم
 مسجد رویم و ساغر و پیمان سر کشیم
 میخانه را مکان نماز و دعا کنیم
 تا کوی دوست رفته، مقیم حرم شویم
 با سر رویم و در قدمش جان فدا کنیم
 دامن یار گر که بیفتد به‌دست ما
 درد دل شکسته‌ی خود را دوا کنیم
 ور گفت: «لن ترانی» و رویش نشان نداد
 تنها به‌شهادت آن سخنش اکتفا کنیم
 گریان و روشنیم و بسوزیم هم‌چو شمع
 یعنی بیان حکایت خوف و رجا کنیم
 گفت این سخن به گوش دلم پیر می‌فروش
 جامی بنوش تا ز تو دفع بلا کنیم
 هر سالکی که مَهر خموشی به لب نهاد
 او را به راز دیر مغان آشنا کنیم
 «نعمت» کسی که جامه‌ی ریب و ریا درید
 با نور معرفت، دل او باصفا کنیم

■ شعر و شاعران

دیوان قصاید، هزار غزل، مقطعات؛ تقی دانش (مستشار اعظم)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ۸۳۵ ص. این کتاب در شمار «۷۰ گنج از ۷۰ سال گنجینه‌ی دانشگاه تهران» به مناسبت هفتادمین سال تأسیس دانشگاه تهران به چاپ رسیده و نسخه‌ی از آن توسط سرکار خانم آرزومیدخت میرمطهری (دختر دانشور این شاعر بزرگ که در طنز به «حکیم سوری» شهرت دارد) به دست ما رسیده است. نمونه‌ی شعر:

آسمان از همه سر بر سر ما ریخت بلا
هان مگر چاره کند رحمت حق عزّ علا
طبل پنهان نتوان بر زدن از زیر گلیم
طشت از بام درافتاد و شنیدید صدا
دل غمین، حال دژم، درد فزون، چاره محال
جان هدف، عمر تلف، ملک هدر، مال هبا
خاک تان رفت به باد، این چه وزیر و چه امیر
خاک تان باد به سر! این چه وفا و چه حیا
انوری گفت و من امروز همان می گویم:
آخر ای قوم! نه از بهر من، از بهر خدا

■ نشریات ادواری

مهرگان اسفراین؛ شماره‌ی ۶ (پاییز و زمستان ۱۳۸۳)، به مدیریت احمد شاهد، سردبیری کتابیون شاهد. در برگ‌های ۱۷۳ تا ۱۸۳ این شماره، مثنوی بلندی با عنوان «یادی از گذشته‌ها» اثر طبع حسن مروجی چاپ شده است که طی آن به چند نشریه‌ی ادبی و فرهنگی از جمله **حافظ** و مدیر آن و نیز **آینده** و مدیر آن (ایرج افشار)... اشاره شده است که به مناسبت، این چند بیت از آن را برای خوانندگان نقل می‌کنیم:

سال‌ها آن یار دیرینم امین ساخت ما را سخت از احسان رهین
چه ز تهران، چه ز لندن، نامه‌ها هم نوشت و کرد از آن، هنگامه‌ها
ماهنامه‌حافظ او را ببین تا که دریابی که می‌باشد امین...
کی برم از یاد من افشار را آن وجود از ادب سرشار را
چون که یاد آرم من از آینده‌اش خواهیم از حق دولت پاینده‌اش

■ مجموعه‌ی مقالات

مقالاتی در حدیث دیگران؛ دکتر احمد مهدوی دامغانی، تهران، نشر تیر، ۱۳۸۳، ۳۹۲ ص. سه سال پیش مجموعه‌ی مقالات علمی و ادبی استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی (استاد پیشین دانشگاه تهران که اکنون سال‌هاست در دانشگاه هاروارد تدریس می‌کند)، به‌اهتمام آقایان دکتر سید علی محمد سجادی (استاد دانشگاه شهید بهشتی) و دکتر سعید واعظ (استاد دانشگاه علامه طباطبائی) با عنوان **حاصل اوقات** منتشر شد. مجموعه‌ی حاضر به‌اهتمام فرزند برومند و هنرمند ایشان، خانم فریده مهدوی دامغانی (از مترجمان موفق کشور) و آقای سید بیژن محمدی منتشر شده است و شامل دیگر مقالات دکتر مهدوی دامغانی است. در **حدیث دیگران** به دو بخش عمده تقسیم می‌شود: بخش اول، مقالاتی که در تجلیل و تکریم استادان و محققان نوشته‌اند و بخش دوم، حاوی خاطرات و یادبودهای نویسنده‌ی دانشمند در طول چهل سال اشتغال به شغل سردفتری است.

آنان هنرمندانی گمنام و صنعتگرانی وارسته بودند که بر مهرها خط می‌نوشتند و نقش خیال می‌زدند و بر نام خود مهر باطل، چرا که امروز از آنان نامی در میان نیست. آن‌چه از سرپنجه‌ی پرمهر آنان برآمد، مهرهایی با خطوط و نقش‌های زیبا بودند که امروزه به‌عنوان بخشی از تاریخ گرافیک این سرزمین با علایم و نشانه‌های تصویری و نوشتاری رقابت می‌کنند. این کتاب به سه بخش تقسیم شده است، بخش اول گذری و نظری است که به‌دلیل پرداختن به تعریف علایم و نشانه‌ها و موضوع نشانه‌شناسی در گرافیک خود تبدیل به بخش جداگانه‌ی شده است. بخش دوم مهرهای طراحی‌شده با حروف، از میان تا پایان دوره‌ی قاجار را در بر می‌گیرد. این بخش خود به گروه‌هایی تقسیم شده است که هر کدام حاوی تعدادی از مهرهای طبقات مختلف جامعه هستند. گاه علاوه بر آغاز صفحات مربوط به مهرهای هر گروه برخی از این ویژگی‌ها نیز مطرح شده است. بخش سوم نیز مهرهای تصویری «طراحی‌شده با تصاویر» را شامل می‌شود. تا حد امکان سعی شده سجع «متن» مهرها خوانده شود و به دو زبان همراه تصاویر ارائه شوند. گفتنی است همه‌ی تاریخ‌های درج‌شده بر روی مهرها «که در زیرنویس‌های تصاویر هم آمده است» تاریخ هجری قمری است، و چون در ترجمه‌ی انگلیسی زیرنویس‌ها «که غالباً به‌صورت آوانگاری است» تاریخ میلادی هم آمده است. در ضمن در موارد نامفهوم، از اظهارنظر پرهیز شده است. برخی از اسناد تاریخی گویای آن‌اند که مهرهای سده‌های دورتر تنها در اختیار پادشاهان، بزرگان، مقامات رسمی و حکام محلی بوده‌اند و در میان مردم عادی کاربردی نداشته‌اند. دوره‌ی صفوی را باید دوره‌ی اوج به‌کارگیری خط - به‌خصوص خط ثلث و نسخ - تزئینات، استفاده از آیه‌های قرآنی، ترکیب‌بندی ماهرانه و طراحی شکل بیرونی مهرها دانست. به‌کارگیری حداکثر تزئینات در تلفیق با اندیشه‌ی مذهبی شیعه، به‌خصوص در مهرهای پادشاهان این دوره نمایان است. (فرستنده: بیژن تلیانی)

■ دین و عرفان

جان‌فشان، از مدینه تا به شام؛ غلام‌حسن فخمی (مرآت ابهری)، با مقدمه‌ی به‌قلم آقایان فرید جواهرکلام و دکتر محمود رفیعی، تهران، آفرینش، ۱۳۸۳، ۲۸۰ ص. اکثر این اشعار (به دو زبان فارسی و ترکی) در مصائب اهل بیت عصمت و طهارت است. نمونه‌ی شعر: آید نفس از عشق و تمنای ابوالفضل / هر دیده شود محو تماشای ابوالفضل / عاجز قلم از صولت گیرای ابوالفضل / ای جان به فدای قد و بالای ابوالفضل.

در صفحه‌ی ۲۲۴ این کتاب اشعار همین شاعر در رثای زنده‌یاد استاد سیدعلینقی امین چاپ شده است، به مطلع: ز بوستان ادب شاخه‌ی جدا شده است / بلی امین ز فنا وصل در بقا شده است.

جلوه‌های عشق (بخش اول از دیوان کبیر «خاضع»؛ آیت‌الله شمس‌الدین نجفی، انتشارات خانه‌ی نویسندگان علامه‌ی حلی، ۱۳۸۳، ۷۸۴ ص. نمونه‌ی شعر:

آغاز صحبت‌م شده با یاد و نام او
بسم الله است در همه عالم، پیام او
با نام نامی‌اش سخنم نقش دفتر است
لطف چکامه‌ام بود از شهد جام او...